

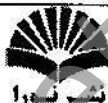
صد سؤال

و

صد جواب

دکتر عیسی ولایی

سرشناسه	ولایی، عیسی، ۱۳۲۹ -
عنوان و نام پدیدآور	صد سؤال و صد جواب / عیسی ولایی.
وضعیت ویراست	[ویراست ۲]
مشخصات نشر	تهران: نورا، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۵۳۶ ص.
شابک	۲۵۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۴۵-۲۹-۲ :
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	جواب اول
موضوع	اسلام — پرسش‌ها و پاسخ‌ها
موضوع	اسلام — مطالب گونه‌گون
موضوع	اسلام — عقاید — پرسش‌ها و پاسخ‌ها
رده بندی کنگره	BP ۱۲/ص ۸/ ۱۳۹۳۴
رده بندی دیویی	۲۹۷/۰۷۶
شماره کتابشناسی ملی	۲۷۳۰۶۸۴



عنوان : صد سؤال و صد جواب (ویراست دوم)

مؤلف : دکتر عیسی ولایی

نوبت چاپ : اول ۱۳۹۳

تیراژ : ۲۰۰۰ جلد

قیمت : ۲۵۰۰۰۰ ریال

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۴۵-۲۹-۲

«کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است»

مرکز پخش : تهران، خیابان انقلاب، خیابان منیری جاوید بن بست مبین پلاک ۲

تلفن : ۶۶۴۹۱۲۰۸

پیشگفتار

انسان بر اساس فطرت، حقیقت جو و موجودی پرسشگر است. از آنجایی که دانشها دستاورد اندیشه‌ها، کاوشها و پرسشهاست، بنابراین پرسشگری مقدمه تکامل است به همین دلیل مولا علی(ع) در سخت‌ترین شرایط و در نامناسب‌ترین اوضاع و احوال نیز پرسشگری از موضع حقیقت‌جویی را محترم شمرده و به این امر فطری حرمت و اعتبار قائل شده به‌گونه‌ای که یکی از یاران حضرت می‌پرسد: «کیف دفعکم قومکم عن هذا المقام و انت احق به»^۱ «چگونه قومتان شما را از این مقام (خلافت) بازداشتد در حالی‌که از دیگران سزاوارتر بودید؟» حضرت فرمود: «تو نا استوار و نا سنجیده گفتاری، لیکن تو را حق خویشاوندی است و نیز حق پرسش و آگاهی خواستن و کسب دانش...».

پس به باور مولا علی(ع) پرسش از جانب هر کس و در هر موقعیتی مطلوب بوده و پرسشگر در هر مرتبه‌ای که قرار داشته باشد چون خواهان دانستن است صاحب حق گشته و برطرف مقابل پاسخگویی به او لازم و ضروری است.

شیخ صدوق نقل می‌کند: در جنگ جمل شخصی از میان سپاهیان خود را به مولا امیرمؤمنان رساند و از آن حضرت پرسید: آیا اعتقاد شما این است که خدا یکی است؟ یاران امام از این پرسش بی‌مورد در آن به‌جوحه جنگ برآشفتنند و به او اعتراض کردند که مگر نمی‌بینی مولا با چه مشکلاتی درگیر است؟ حضرت فرمود: «رهایش کنید که بی‌گمان آنچه را او خواهان اوست همان چیزی است که ما از این قوم خواهیم. سپس حضرت در آن موقعیت حساس و درگیر و دار جنگ در مقام پاسخگویی مبحث توحید را به فراخور فهم پرسشگر تبیین کرد.^۲ در واقع مولا امیرمؤمنان این آموزه دینی را از قرآن فرا گرفته است.

منطق قرآنی

۱. نهج البلاغه: خطبه ۱۶۲.

۲. توحید: ص ۱۴ و خصال: ص ۲.

در قرآن آمده: «قَبْرُ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»^۱ مضمون آیه چنین است: راه خرد پسند این است که سخن را از هر کس که باشد بشنویم و بهترین سخن را بپذیریم. از آیه فوق مطالب زیر را می آموزیم:

۱. گوش شنوا

انسانی که آهنگی رو به جلو دارد و از درجا زدن گریزان و خواهان پیشرفت و تعالی است باید به سخنان موافق و مخالف گوش فرا دهد و از مجذوب و مسحور شدن یک نظریه پرهیزد، زیرا نتیجه آن محرومیت از تفکر دیگران و بی نصیب ماندن از دست آوردهای متفکران جهانی و دور ماندن از قافله تمدن بشری است.

۲. فهم سخنان

لازمه حق مداری فهم سخن حق است. که آن هم بدون استماع سخنان دیگران میسر نیست. و لازمه فهم سخنان دیگران و درک افکار آنان تشخیص موارد اشتراک و اختلاف دیدگاههاست. که با گوش فرادادن بدون پیشداوری ممکن است.

۳. سنجش و ارزیابی

ارزیابی بین دو یا چند سخن و دیدگاه زمانی مقدور است که بدانیم هر دو دیدگاه درباره یک موضوع و از یک جنبه بوده است. و گرنه هرگاه دیدگاهها درباره موضوعات مختلف و یا از جنبه‌های متفاوت باشد جای مقایسه نیست. همانند روانشناسی و پزشکی که هر دو موضوعشان انسان است. اما یکی به جنبه روانی و دیگری به جسم و تن او می پردازد. پس ارزیابی و مقایسه آن دو غلط است.

۴. حق جویی

از آنجا که روش قرآنی متکی بر حق جویی است بنابراین پژوهنده برای بازشناسی حقیقت، باید از هرگونه تعصب، ستم و حکم ناروا بر صاحبان نظریه‌های دیگر دوری کند و پیرو دلیل، منطق و خرد باشد.

۵. روحیه انتقادی

هنگام ارزیابی چند نظر کسی موفق تر است که ظرافتهای موجود در هر دیدگاه را درک کرده و سرگردان نماند. عناصر استواری و سستی نظریات را ببیند، شعار را از استدلال و خطابه را از برهان و مغالطه را از حجت تشخیص دهد. و با جلوگیری از تفسیرهای کج و معوج رودخانه

خروشان دانش را به مزارع واقعی نیازهای انسانی هدایت کند و با سیراب کردن آنها دشتهای سرسبز و پرباری به وجود آورد و از ویران شدن خانه‌های خرد و اندیشه جلوگیری نماید.

ع. پذیرش

در این مرحله شخص پس از شنیدن، مقایسه، داوری انتقادی، شناخت سست و محکم و کنار گذاشتن شعارهای رنگ آمیزی شده از میان انبوهی از یاوه‌ها حقایق را بیرون کشیده، سخن حق را از ناحق جدا و نیک و بد را تفکیک می‌کند و به سخن حق بیشتر گوش فرا می‌دهد و زوایای آن را بهتر درک می‌کند. در نتیجه افزون بر خرد، قلبش را نیز در گرو حقیقت قرار می‌دهد، از لجاجت و تن ندادن به حق می‌پرهیزد.

متأسفانه این روش قرآنی که می‌تواند زمینه گفت‌وگوهای بسیار جدی میان اندیشه‌ها و حوزه‌های فکری فرهنگی باشد متروک مانده و راه افراط و تفریط یعنی پذیرش صد در صد حرفهای دیگران یا کنار گذاشتن کامل و رد کلی آنها برگزیده شد. آنچه پیش رو دارید پاسخ به فطرت پرسشگر انسان و پیروی از منطق قرآنی است، انتظار این است که خوانندگان محترم بدون هیچگونه پیش‌داوری پاسخهای ارائه شده را مورد مذاقه قرار داده و با انتقادات سازنده در تکمیل آن بکوشند و نویسنده از کسانی که با استدلال و منطق پاسخ بهتری ارائه دهند و یا نقدی عالمانه داشته باشند با آغوش باز استقبال خواهد کرد.